

سینمای جهان

به همت: حامد مظفری
با همکاری: حسین گیتی، مهدی فلاح صابر
مہسا پور بختیار و نادیا زکالوند

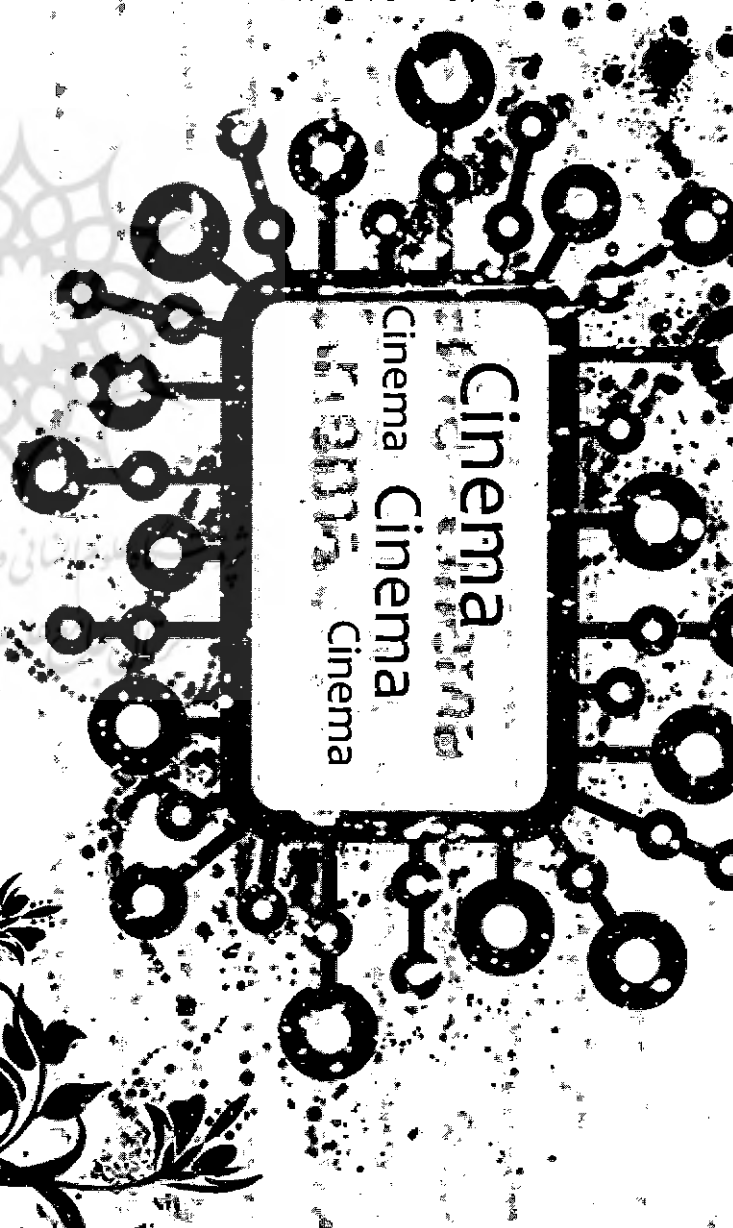
انسانی ترین هنر حیات

بازیگر کیست؟ جواب ساده است؛ یک انسان که دارای توانایی‌های ویژه‌ی در زمینه‌ی تقلید و خلق نوعی از زندگی بر صحنه است، بازیگر خوانده می‌شود. بازیگری به تعبیری انسانی‌ترین هنر حیات است که وسیله، هدف و موضوع پرداختن به انسان و احساسات اوست. در بازیگری باید یک عمل ناخودآگاه را به صورت خودآگاه و به شکلی انجام داد که به نظر مخاطب ناخودآگاه برسد. این حاصل تمرین و تمرکز بازیگر روی احساسات و اعمال خویش است. بازیگر قبل از هر چیز باید خودش را بشناسد و در صورتی که عیب و حسن خود را فهمید و بر احساساتش تسلط یافت، می‌تواند در قالب دیگران نیز ظاهر شده و بازی کند. بازیگری در واقع، شدن است نه واقع بودن و بازی کردن، یعنی اگر یک بازیگر قرار است نقش آدم عصبانی را بازی کند باید عصبانی شود تا این احساس به بهترین شکل ممکن بروز کند و تماشاگر بفهمد که بازیگر عصبانی است. این اصل در عرصه‌های مختلف سینما، رادیو، تئاتر و تلویزیون یکسان است!

- گفت‌وگو با جک نیکلسون، بازیگر مشهور هالیوود
- به یاد پل نیومن بازیگر فقید سینمای جهان
- گفت‌وگویی متفاوت و خواندنی با تیم رایینز
- فیزیک در سینما: آرماگدون
- هولوکاست در سینما (۲)
- بازی ویدیویی مکس پین بر پرده سینما

Cinema
Cinema
Cinema
Cinema

انسانی و مطالعات فرهنگی





ورای این چشم‌ها آیا احساسی می‌تواند باشد؟ احساسی که وجود دارد اما نمی‌دانی که چیست و چگونه و چه زمانی فوران می‌کند؟! جک نیکلسون می‌تواند مخاطبان را از وجود چنین احساسی مطمئن کند و در عین حال نوع و شکل بروزش را لو ندهد. این را می‌توانید در نقش آفرینی‌هایش به‌خصوص در «محله‌ی چینی‌ها» ببینید. ستاره‌های زیادی هستند که نقش آدم‌بدهای تاریخ سینما را بازی کرده‌اند اما هیچ کدامشان مثل جک نیکلسون در فیلم «درخشش» نمی‌توانند تعلیق و دلهره را تا اعماق وجود مخاطب وارد کنند، آن هم فقط با لبخند و نگاه. «جان جوزف نیکلسون» ملقب به «جک نیکلسون» و با نام مستعار «بچه‌ی ماله‌لند» در ۲۲ آوریل

۱۹۳۷ میلادی در منهتن نیویورک چشم به جهان گشود. در دوران کودکی، پدرش خانواده را ترک کرد و او با این باور که مادر بزرگش، مادر او و مادرش، خواهر بزرگ‌ترش است، بزرگ شد و حقیقت زمانی آشکار

شد که محققان مجله‌ی تایم داستان زندگی جک را از ایه کردند. جک تا ۳۷ سالگی خود نیز نمی‌دانست چه مسیر عجیبی را پیموده است. او در دبیرستان ماناسکوان تحصیل کرد و در پایان مدرسه وارد دنیای سینما شد. در آغاز به عنوان یک بازیگر برای واحد کارتون شرکت مترو گلدن مایر کار می‌کرد و بازیگری را نیز در گروه «حلقه‌ی بازیگران» فرا گرفت. در سال ۱۹۵۸ «راجر کورمن»، او را به عنوان یکی از بازیگران فیلم «قاتل کودک گریان» انتخاب کرد و در سال ۱۹۶۹ «پیتر فوندا»، نقش اصلی فیلم «ایزی رایدِر» را به جک سپرد. این مرد عجیب در سال ۲۰۰۲ کتابی با عنوان «آشپزی برای جک» نوشت و به توصیف دانق‌هی خود در زمینه‌ی غذا پرداخت اما دیگران جک را چنین توصیف می‌کنند: «مردی مستعد، باتجربه، جذاب و بسیار ثروتمند». جک نیکلسون تا کنون در فیلم‌های بسیاری بازی کرده است؛ فیلم‌هایی که بسیاری از آن‌ها نظیر «بتمن»، «به همان خوبی که هست»، «چند مرد خوب»، «کنترل خشم»، «دوران مهرورزی» و «پرواز بر فراز آشیانه‌ی فاخته / دیوانه‌یی از قفس پرید» بیش از ۱۰۰ میلیون دلار فروش کرده‌اند. تنوع نقش‌های جک نیکلسون کم‌نظیر است و او در هر فیلم تغییر چهره می‌دهد و سینمای متفاوتی از خود به‌جای می‌گذارد؛ در این زمینه کافی‌ست نگاهی بیندازیم به دو فیلم اخیرش، «مردگان» و «فهرست آرزوها»! او همانند «مارلون براندو» و دیگر بازیگران صاحب سبک سینمای جهان بر هم‌نسبتش تأثیر گذار بوده است و جوان‌ترها از او تقلید می‌کنند.

مهسا پوربختیار

گفت‌وگو با جک نیکلسون، بازیگر مشهور هالیوود، پیرامون تکنیک بازیگری

بصیرت بازیگری ناشی از تجربه است!

درک و تحقیق و تخصص در نقش و یافتن ماه‌زای بیرونی برای آن، بهترین شخصیت را خلق کند.

کارگردانان چگونه می‌توانند اثری ایده‌آل بر بازی بازیگران بگذارند؟ بازیگر در ایفای نقشش به سرحد کمال دست نمی‌یابد مگر آن‌که کارگردان برای تمامی مراحل مربوط به هدایت هر چه بهتر بازیگر در مسیر نقش، از شیوه‌های خاص و امتحان پس‌داده استفاده کند.

درباره‌ی این شیوه‌های خاص پیش‌تر صحبت کنید.

این شیوه‌ها همه چیز را شامل می‌شوند، از دورخوانی و تمرین‌های طاقت‌فرسای قبل از فیلمبرداری و حتی الگوسازی گرفته تا بداهه‌پردازی‌های صحنه و گاه شیوه‌هایی عجیب و غریب دیگر! پیرامون تمرینات پیش از فیلمبرداری روایات متفاوت و گاه متضادی وجود دارد؛ در این باره شما چه‌طور می‌اندیشید؟

این مسئله کاملاً وابسته به نظر کارگردان اثر است، چون به هر حال این کارگردان است که مسئول نتیجه‌ی نهایی یک فیلم است. برخی فیلمسازان، تمرین قبل از فیلمبرداری را به‌شدت مضر می‌دانند و آن را مانع بروز خلاقیت و حفظ نشاط و شادابی شخصیت می‌پندارند و

اصلی‌ترین تعریفی که از بازیگری دارید چیست؟

در این باره من هم کاملاً همراه توده‌ی مردم بوده و بازیگر را کسی می‌دانم که در قالب شخص دیگری فرو رفته و نقش او را بازی می‌کند. به همین ترتیب بازیگری جریانی است که به بازیگر در جهت ایفای نقش کمک می‌کند.

اما این تعریف، نمی‌تواند تعریف جامعی برای بازیگری باشد!

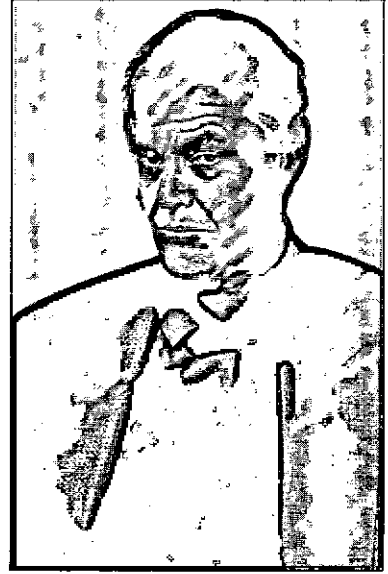
همین‌طور است. این تعریف کلی گرچه تعبیر جامعی از هنر بازیگری نیست و چه‌بسا در نظر صاحب‌نظران امروزی نادرست و احمقانه جلوه می‌کند، اما رد و انکارش هم به آسانی ممکن نیست!

نقش آموخته‌های آکادمیک در این میان چیست؟

شاید بازیگر کسی باشد که با بهره‌گیری از آموخته‌های آکادمیک و پیروی از سبک و شیوه‌ی خاص، نقش‌ها را ایفا می‌کند اما فراموش نکنید که به‌همه‌ی این‌ها باید چاشنی خلاقیت بازیگر را هم اضافه کرد!

خلاقیت در چه حیطه‌یی؟

بازیگر باید بتواند در ارایه‌ی شخصیت کاملاً خلاقانه عمل کرده و با



می‌توانسته‌اند به گونه‌ی دیگر بازی کنند. ... و همین افسوس خوردن‌ها رفته‌رفته تبدیل به کوله‌باری از تجربه می‌شود!

این درک، دانشی باارزش است و بازیگر را تشویق می‌کند تا در فیلم بعدی با تفکری بیش‌تر به شخصیت نزدیک شود. بازیگر، فیلمنامه را با دقت بیش‌تری خواهد خواند و به شخصیت در شرایط مکانیکی ساخت فیلم نزدیک خواهد شد. سپس او آن چه را که حفظ آن در یک برنامه‌ی فیلمبرداری بدون ترتیب مهم است، در نظر خواهد گرفت. پس از تجربیات متعدد در زمینه‌ی بازیگری سینما، بازیگر دارای بصیرت حرفه‌ی شده و عوامل مهم شخصیتی را که باید هنگام آغاز و پیشرفت فیلمبرداری به یاد داشته باشد، به شکل شهودی جدا می‌کند!

در رفتار برخی بازیگران کم‌تجربه‌تر نوعی سردی احساسی هم دیده می‌شود؛ آیا این موضوع ناشی از کم‌تجربگی است؟ در ایجاد این مسئله دو عامل نقش دارند: اول اضطراب ناشی از بازی در مقابل دوربین و دوم کم‌تجربگی!

... ولی می‌توان گفت که اضطراب مذکور هم ناشی از کم‌تجربگی است؟ خیر، صبر کنید؛ من هم که تجربیات بازیگری فراوانی دارم هنوز که هنوز است وقتی برای بازی در فیلمی دعوت می‌شوم، اضطراب گریبانگیرم می‌شود. پس اضطراب همواره وجود دارد و فقط به‌تدریج و با افزایش تجربیات، درصد آن کاهش می‌یابد. چه‌قدر از بازی خوب یک بازیگر را مرهون تدوین درست می‌دانید؟

بسیار کم. تدوین مهم است اما نه به اندازه‌ی بازیگر! در این باره بیش‌تر توضیح دهید.

بازی یک بازیگر باید به اندازه‌ی کافی از مصالح و منابع درونی او نشأت گرفته باشد تا نه تنها تصاویر دارای منطقی از عواطف باشند، بلکه رابطه‌ی مداوم داشته باشند، یعنی تصاویر آفریده‌شده بدون توجه به این که بعدها چگونه تدوین می‌شوند دارای تلاوم واکنشی باشند. ■

بعضی دیگر، تمرین را شرط اصلی نزدیکی بازیگر به نقش و حتی گاه پرداخت بهتر آن می‌شمارند.

شما برای ایفای نقش در فیلم «دیوانه‌ی از قفس پرید» از کدام شیوه بهره بردید؟

روش دوم؛ ما مدت‌ها پیش از آغاز فیلمبرداری، به معاشرت با گروهی بیمار روانی پرداختیم تا کاملاً با خلق و خوی رفتاری این انسان‌ها آشنا شویم.

... در واقع با نقشتان زندگی کردید؟!

همین‌طور است. این زندگی خیلی هم اثرگذار بود؛ دست کم برای من که بسیار مفید بود!

یعنی فکر می‌کنید اگر بدون قرار گرفتن قبلی در محیط یک آسایشگاه روانی به ایفای نقش می‌پرداختید، نقشتان جذابیت‌هایی که در فیلم با آن روبه‌رویم را نداشت؟

همین‌طور است. آن جمله‌ی معروف و حالا دیگر کلیشه‌ی و نخ‌نماشده که با این نقش زندگی کردم و پس از فیلم هم به سختی رهایم کرد، در مورد بازی‌ام در این فیلم به‌شدت صدق می‌کند.

تجربه چه نقشی در کیفیت بازیگری ایفا می‌کند؟

بازیگران باتجربه‌ی سینما، با درک شرایط صحنه به سرعت خود را با آن چه قرار است اتفاق بیفتد هماهنگ کرده و می‌کوشند بازی باکیفیتی ارائه دهند. این بازیگران به علت تجربیات فراوانی که دارند از همان اولین روز فیلمبرداری می‌کوشند که با یافتن قرینه‌های ذهنی بهترین نقش‌آفرینی را ارائه کنند، اما در مورد بازیگران تازه‌کار این قضیه به گونه‌ی دیگر رخ می‌دهد.

... نکته‌ی که از گفت‌وگو با بازیگران کم‌تجربه‌تر به آن رسیده‌ام، تأییدکننده‌ی این مسئله است که آن‌ها در هر لحظه افسوس لحظات از دست رفته را می‌خورند!

همین‌طور است. بازیگران تازه‌کار در سکانس‌های آغازین، فقط و فقط به مدد تحصیلات آکادمیک خود کار می‌کنند؛ البته اگر تحصیلکرده باشند! آن‌ها در هفته‌های بعد، با شناخت بسیار بهتر شخصیت، حس می‌کنند که طی روزهای ابتدایی فیلمبرداری